

تبیین راهبرد دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان پسا طالبان

پرهام پوررمضان

پژوهشگر، گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران.
parhampourramezan@ut.ac.ir; M-abtahi@srbiau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین راهبرد دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان دوران پس از طالبان است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و کاربردی (عملی) است و جامعه آماری تحقیق نیز مشتمل بر کارشناسان و استادان دانشگاه در حوزه های مرتبط با روابط بین الملل، ژئوپلیتیک و علوم سیاسی می باشد. حجم نمونه بر اساس مدل کوکران، تعداد ۳۵ نفر تعیین گردیده و تجزیه و تحلیل یافته ها نیز با استفاده از نرم افزار spss انجام شده است. نتایج بیانگر آن است که نقش آفرینی ایران در منطقه ژئوپلیتیک شرق پیرامونی در افغانستان، تابع عوامل و متغیرهای مربوطه در سه سطح داخلی، منطقه ای و فرامنطقه ای است. عوامل متعدد داخلی و ژئوپلیتیک جدید افغانستان در دوره پساتالبان و توانایی های ایران در نقش آفرینی آن، تنوع قومیتی در افغانستان، حاکمیت پشتون ها در قدرت و نقش آفرینی های جمهوری اسلامی ایران با توجه به ویژگی های تمدنی خویش در افغانستان، از اصلی ترین و مهم ترین عوامل نقش آفرینی ایران در منطقه ژئوپلیتیک شرق پیرامونی با تأکید بر افغانستان به شمار می آید. دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان پس از به قدرت رسیدن طالبان، در حوزه تجارت کالا با اشکالاتی مواجه شده است، اما روندهایی برای احیای دستاوردهای دوران حضور نیروهای خارجی در جریان است. در حوزه صادرات انرژی، چالش های کمتری وجود دارد. در حوزه ترانزیت با بیشترین پیچیدگی ها و نوعی عدم قطعیت مواجه ایم؛ هرچند چشم اندازهایی برای تداوم سیاست های گذشته وجود دارد. چالش های حقوقی در اختلافات آبی، مهاجرت های غیرقانونی قاچاقچیان مواد مخدر از افغانستان به ایران، دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی افغانستان و مهاجرت های غیرقانونی اتباع افغان به ایران، مهم ترین این چالش ها هستند. در زمینه فرصت های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان

پس از قدرت‌یابی طالبان، نتایج نشان داد که عواملی مانند زبان مشترک میان مردمان دو کشور، تبادلات فرهنگی میان دو کشور، اهمیت ایدئولوژی اسلام در هر دو کشور و ظرفیت‌های فراوان بازار مصرف افغانستان در اختیار ایران، از مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان به شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها

دیپلماسی اقتصادی، افغانستان، طالبان، جمهوری اسلامی ایران، تجارت بین‌الملل، سیاست خارجی، روابط تجاری.

مقدمه

در حال حاضر هویت‌یابی منطقه ژئوپلیتیک، مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه جغرافیایی متجانس و عناصر مربوط به آن است و در این زمینه اگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه جغرافیایی به صورت انفرادی، اجتماعی، ناقص یا کامل از بُعد سیاسی، نقش آفرین شود (Barrinha & Renard, 2017)، منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت داده، به صورت منطقه ژئوپلیتیک در حال تغییر صحنه ظاهر می‌شود (Wegge & Keil, 2018, p. 90) و این تغییرات نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای به ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش‌ها و واکنش‌های آنها منجر به شکل‌گیری الگوی روابط سیاسی بین دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای می‌شود (Barratt & Klarin, 2022, p. 290). بیشتر تغییرهای ژئوپلیتیک در جهان به دلیل ماهیت فضایی و تمرکز ثروت و انرژی در آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی رخ داده (Diaconescu & Mazilu, 2021, p. 40) و بیشتر آنها در ایران و مناطق اطراف آن شکل گرفته است. اکنون در میان وضعیت گسترده تغییرهای ژئوپلیتیک در جهان، افغانستان در این زمینه‌ها از موقعیتی قابل توجه برخوردار است (Panda, 2021, p. 61). افغانستان ویژگی‌های مشترک تمدنی، ژئوکالچر مذهبی و عوامل قومی مشترکی با ایران دارد، اما به دلیل ضعف ساختارهای سیاسی، حضور طالبان و وجود قانون رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، در دهه‌های گذشته پیوسته با چالش‌های مختلف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک همراه بوده است که این قبیل مسائل بر روابط آن با همسایگانش به ویژه ایران تأثیرگذار بوده است. ایران و افغانستان قرن‌هاست که با قرار گرفتن در یک بافت تمدنی و جغرافیایی مشترک، نوعی همسایگی آرام را تجربه کرده‌اند. البته این مجاورت سرزمینی زمینه‌ساز مناقشه‌هایی متعدد به ویژه در زمینه بهره‌برداری از آب رودخانه‌های مشترک بوده است. از دیگر موارد مناقشه دو کشور به رسمیت نشناختن دولت طالبان از سوی ج.ا. ایران، مهاجرت‌های گسترده افغان‌ها به شهرهای ایران (Khan & et al., 2023)، تنش‌های ایران با قاچاقچیان مواد مخدر از سمت افغانستان و رها بودن مرزهای افغانستان اشاره کرد (Solhdoost & Pargoo, 2022). اهمیت ژئوپلیتیک جدید افغانستان بیشتر از دو

پدیده مهم تأثیر پذیرفته است: نخست تغییر ماهیت روابط و سیاست بین المللی و جامعه جهانی نسبت به افغانستان؛ دوم دگرگونی بنیاد ساختارهای ذهنی و سیاسی در داخل افغانستان (Baylis, 2020, p. 42) که در مسیر تکوین آرمان ملت مدیریت می شود. از منظر ژئواکونومی و ظرفیت های اقتصادی افغانستان می بایست به این موضوع اشاره گردد که افغانستان، در گره گاه سه ساختار ژئوپلیتیک مهم منطقه ای قرار دارد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۴۵)؛ به این معنا که از یک طرف، ادامه ساختار ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و بخش خاوری ایران (فلات ایران) و از سوی، جزو دامنه های شمالی ساختار ژئوپلیتیک نیم قاره هند شمرده می شود (Zhu, 2018, p. 7)؛ همچنین این سرزمین به عنوان چهارراه پیونددهنده تمدن ها و فرهنگ های گوناگون و گذرگاه تجاری منطقه شناخته می شود (تصویر ۱).



تصویر (۱) موقعیت راهبردی و مهم افغانستان در جغرافیای منطقه

بر این اساس موقعیت راهبردی افغانستان به دخالت کشورهای همسایه در امور داخلی آن و همچنین ایجاد چالش هایی گسترده در بسیاری از زمینه ها منجر شده است (Khetran, 2017, p. 115) که تمام این مسائل امروزه بر روابط افغانستان با ایران نیز اثرگذار بوده است و چالش هایی را برای نقش آفرینی ج.ا. ایران در این کشور ایجاد کرده است. از سوی دیگر افغانستان به سبب وجود گروه های قومی مختلف و همسایگی با ایران، ظرفیت بالقوه بسیاری برای تأثیرپذیری از ایران دارد و حضور چشم گیر شیعیان در این کشور، این تأثیرپذیری را دوچندان کرده است (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴، ص. ۶۹). از ابعاد

دیگر فرصت‌های اقتصادی افغانستان برای ج.ا. ایران می‌توان به عواملی مانند وجود نیروی کار زیاد و ارزان در افغانستان (Ahmadza & McKinna, 2018, p. 452)، منابع آبی فراوان، معادن غنی و دست‌نخورده افغانستان همچون برلیم، معادن لیتیوم، تیتانیوم و نیوبیم، معادن فلزات (۱۲ معدن مس، ۴ معدن طلا، ۵ معدن نقره، معادن کروم و ۸۹ معدن آهن) و معادن سیماب و آلومینیوم اشاره کرد. افزون بر اینها اقتصاد زراعتی و ارزان‌بودن تولیدات محصولات کشاورزی افغانستان، ۱۳۱۳۰۰۰ هکتار مساحت جنگل‌ها در افغانستان و وجود گیاهان کمیاب با خواص درمانی مانند زیره، زعفران و هنگ (فائو^۱، ۲۰۲۲) می‌تواند فرصت‌هایی ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های ایران در این کشور ایجاد کند. گفتنی است امروزه افغانستان بیش از ۹۰ درصد نیازهای خود را از خارج به‌ویژه از همسایگان خود تأمین می‌کند (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷، ص. ۷۴). ایران پیوسته از مهم‌ترین شرکای اقتصادی و تجاری افغانستان با تجارت سالانه حدود دو و نیم میلیارد دلار و از مهم‌ترین صادرکنندگان مهم انرژی به‌ویژه برق به افغانستان با مقدار سالانه حدود ۲۳۷ مگاوات در سال ۲۰۱۴ بوده است؛ همچنین ایران در پنج‌سال اخیر نقش مؤثری در پروژه‌های جدید بازارچه‌های مرزی و افزایش سرمایه‌گذاری در خطوط تولید صنایع متوسط و کوچک در افغانستان ایفا کرده است؛ بر این اساس می‌توان به قرارداد چابهار میان ایران، هند و افغانستان استناد کرد که یکی از مهم‌ترین پروژه‌های مشترک اقتصادی است؛ همچنین در یک دوره پنج‌ساله در میان سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۱، صادرات ج.ا. ایران به افغانستان به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، بیش از دو برابر رشد داشته است، اما پس قدرت‌یابی رژیم طالبان در افغانستان، دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان با چالش‌های گسترده‌ای مواجه بوده است. با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این مسئله بر آمده است که مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی

۱. سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو)

ایران و افغانستان پس از طالبان کدام‌اند و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور شامل کدام مؤلفه‌هاست؟

۱. ادبیات و مبانی نظری

سیاست خارجی تعریف‌های متعددی دارد. سیاست خارجی شامل مقررات، اجرا و همچنین محصول و نتیجه تصمیمات است و راهنمای اقداماتی است که دولت در خارج از مرزهای خود برای پیشبرد اهداف خود در ارتباط با بازیگران دولتی و غیردولتی انجام می‌دهد (قوام، ۱۳۹۷). یکی از اجزای بنیادین قدرت حکومت‌ها، معاهدت با بازیگران غیردولتی و فضاها‌ی اطلاعاتی و مجازی تشکیل‌دهنده جامعه مدنی جهانی است. روند جهانی شدن و شتاب آن در دوران پس از جنگ سرد، مجموعه‌ای از اثرات پیچیده و پراکنده‌ای با تأثیر ساختاری قابل توجه بر دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در پی داشت (ناصری، ۱۳۹۹، ۶۲). در این زمینه به کارگیری ابزارهای اقتصادی برای اهداف دیپلماتیک و از طریق یک فرایند خلاقانه مشترک مورد انتظار است. دیپلماسی معاصر در واقع (کلیشه دیپلماسی)، به‌عنوان اداره روابط بین دولت‌ها و دیگر نهادهایی است که در سیاست جهانی توسط عوامل و کارگزاران رسمی حضور دارند (Paudel, 2023). دیپلماسی اقتصادی را می‌توان فعالیت‌های مسالمت‌آمیزی دانست که دولت یا اتحادیه‌ای از دولت‌ها برای حل اصطکاک‌ها و اختلاف‌ها بین ملت‌ها در مسائل اقتصادی در اجرای سیاست‌های خارجی خاص اجرا می‌گردد (Bayne & Woolcock, 2016, p. 334). رویکرد اقتصادی به سیاست خارجی، درحالی‌که تبدیل همزمان منافع اقتصادی رو به رشد خود را به اهرم سیاسی تبدیل می‌کند. آشکارا وقتی از منظر مطالعات دیپلماتیک به رویکرد دیپلماسی نگریسته شود، دیپلماسی اقتصادی می‌تواند توسعه‌دهنده روابط همه‌جانبه باشد (RanjbarHeydari, 2021, p. 328) و کاهش تنش‌های سیاسی، بین‌المللی و فرهنگی را در پی داشته باشد. به طور کلی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با توجه به چالش‌های داخلی و فرصت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

پیش روی خود، به اهمیت روزافزون اقتصاد و پیرو آن دیپلماسی اقتصادی با کشورهای مختلف به ویژه کشورهای همسایه توجه می کنند؛ همچنین دیپلماسی اقتصادی می تواند نقشی مؤثر در محدودیت رفتاری گروه های غیردولتی در کشورها ایفا کند. در این زمینه همواره برخی کشورها افزون بر دارا بودن یک حکومت محلی، بازیگران داخلی تأثیرگذاری در سیاست های ملی و منطقه ای خود داشته اند؛ برای نمونه در سال های اخیر، گروهک طالبان در افغانستان توانسته است با رفتارهای خود سبب تغییرهای ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری در فضای داخلی افغانستان گردد. توجه به ظرفیت های دیپلماسی اقتصادی، می تواند به دستاوردهای مختلفی از جمله افتتاح نمایندگی های تجاری بیشتر با تمرکز اقتصادی و انتصاب دیپلمات های دارای اعتبار اقتصادی (به ترویج تجارت، سرمایه گذاری و همکاری در زمینه نوآوری، صنعت، انرژی یا کشاورزی) منجر شود. امروزه کشور افغانستان، در حال کسب جایگاه و موقعیت جدیدی است که این موقعیت ناشی از استقلال سرزمین ها و جمهوری های آسیای مرکزی است. چنانچه این کشورها بخواهند با کشورهای جهان از طریق آب های دریای عمان و اقیانوس هند ارتباط برقرار کنند، یک راه عبور آن برای صادرات و واردات کالا، افغانستان است. گراهام فولر می گوید: «افغانستان به دلیل قرار گرفتن در مسیر استراتژیکی که هند و آسیای غربی را به یکدیگر متصل می کند و به دلیل آنکه بسیاری از فاتحان، این مسیر را در نور دیده اند، شاهراه پیروزی نام گرفته است. به رغم موفقیت و شکل نامناسبی که افغانستان به عنوان یک کشور دنباله دار دارد، ویژگی های ذیل به آن اهمیت خاصی در طول تاریخ دارد و بعد نیز می تواند نقش مؤثری داشته باشد:

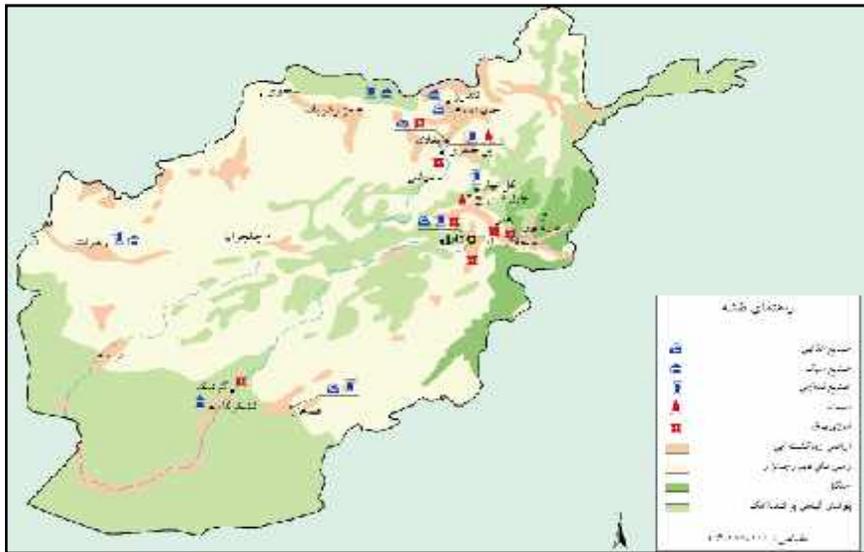
۱. همسایگی با جمهوری بزرگی خلق چین؛ ۲. همسایگی با جمهوری اسلامی ایران؛
۳. قرار گرفتن در گسل اصلی چهار تمدن کنفوسیوس چینی، بودایی هندی، روسی و اسلام؛
۴. همسایگی با جمهوری های تازه استقلال یافته و کلید ورود به آسیای مرکزی؛
۵. حضور در منطقه غرب آسیا؛ ۶. عبور جاده ابریشم از میان آن؛ ۷. مجاورت در حوزه

ژئوپلیتیک دریای خزر - آسیای مرکزی و خلیج فارس (حوزه‌های نفت و گاز)؛
۸. وجود منابع دست‌نخورده (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷، ص. ۳۸).

هرچند این ویژگی‌ها همیشه برای افغانستان در دسترس بوده است، در صورتی که این کشور به ثبات و آرامش برسد می‌توان در حوزه ژئوپلیتیک که به احتمال در آینده نه چندان دور شکل می‌گیرد، نقش آفرینی کند و این حوزه‌ها عبارت از:

۱. اتحادیه کشورهای فارس‌زبان منطقه؛ ۲. اتحاد روسیه با چین و هند و ایران و افغانستان؛ ۳. گسترش ناتو به شرق برای رسیدن به مرز چین؛ ۴. اتحاد کشورهای حوزه دریای خزر (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۲). اقتصاد افغانستان اصولاً اقتصاد زراعی و دام‌پروری است؛ ولی عرصه اقتصاد مانند دیگر عرصه‌ها و امور افغانستان چنان به هم گره خورده است که به سختی می‌توان برای آن بنیاد مشخصی را در نظر گرفت و به تبعیت از شرایط موجود بسیاری از مردم این کشور به مشاغل کاذب و زیان‌باری روی آورده‌اند که از آن جمله می‌توان به کشت، تولید و ترانزیت مواد مخدر اشاره کرد. این در حالی است که با خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و آغاز حاکمیت دوباره طالبان بر این کشور، کمک‌های منظم خارجی متوقف، نظام بانکی آن دچار بحران نقدینگی و اقتصاد آن دچار ورشکستگی شده است؛ همچنین براساس گزارش رسمی وزارت معدن افغانستان در سال ۲۰۲۲م. تخمین زده می‌شود که در میدان‌ها و چاه‌های نفت افغانستان حدود ۱.۶ میلیارد بشکه نفت خام، ۱۶ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی و ۵۰۰ میلیون بشکه مایعات گازی طبیعی وجود دارد؛ همچنین در غرب افغانستان حوزه نفتی تیرپل در ولایت هرات قرار گرفته است که در فاصله ۹۵ کیلومتری مرز ایران قرار دارد که تاکنون بررسی کاملی از این حوزه صورت نگرفته است. در کنار آن حوزه‌های رسوبی و احتمالی نفت در منطقه «کتواز» ولایت پکتیکا و هلمند نیز تشخیص داده شده است که بررسی کاملی از آن در دست نیست. با توجه به این موضوع افغانستان به لحاظ اقتصادی یکی از فقیرترین کشورهای جهان است که همه این عقب‌ماندگی‌ها برخاسته از نابسامانی‌های سیاسی این کشور است. از دیگر سو، به استناد گزارش سازمان ملل،

افغانستان از لحاظ اقتصادی با چشم‌اندازی نامشخص روبه‌رو است و فعالیت‌های اقتصادی در آن بیشتر در شمال شرقی این کشور تمرکز یافته است (نقشه شماره ۱).



نقشه شماره ۱. موقعیت فعالیت‌های اقتصادی در افغانستان (سازمان جغرافیایی، ۱۴۰۱)

مسائل مذکور به‌ویژه وجود فرصت‌های اقتصادی و همچنین نابسامانی افغانستان می‌تواند بسترها را در جهت افزایش نقش‌آفرینی ایران در حوزه دیپلماسی اقتصادی در این کشور فراهم سازد؛ ولی تاکنون پژوهش‌هایی در این زمینه صورت نگرفته است و تحقیقات موجود بیشتر فضای افغانستان را بر اساس جنبه‌های امنیتی - دفاعی و سیاسی مطالعه کرده‌اند و پژوهشی که ارتباط مستقیمی با راهبرد دیپلماسی در افغانستان پس از طالبان با رویکردی اقتصادی داشته باشد، مشاهده نشده است. در این زمینه پژوهش‌های مشابه با موضوع تحقیق به شرح زیر ارائه می‌گردد:

عسکری کرمانی و صفار (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان»، به این نتایج دست یافته‌اند که هرچند دیپلماسی اقتصادی ایران در دوران طالبان در حال سازگار کردن خود با شرایط جدید

بوده و دو حوزه از سه حوزه بررسی شده، تأثیرپذیری کمتری از قدرت یابی دوباره طالبان دارد، در یک حوزه، یعنی ترانزیت چشم‌اندازهای تداوم دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ایران با عدم قطعیت و دشواری‌های بیشتری روبه‌روست.

یافته‌های مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی آبی افغانستان در قبال کشورهای هم‌جوار و تأثیر آن بر روابط افغانستان و ایران بعد از سقوط طالبان» (نبوی و همکاران، ۱۳۹۹)، بیانگر آن است که افغانستان توانسته است موقعیت ژئوپلیتیکی و بالادستی منابع آب خود را در معادلات روابط خود با ایران میدان دهد و از ایران که در موفقیت پایین دست و در موضع ضعف قرار دارد، امتیاز بگیرد؛ همچنین در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان در کاهش فشار تحریم‌ها» (عرب‌پور، ۱۳۹۸)، ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی اقتصاد جهانی و تحریم‌ها، بیان شده است که ظرفیت‌های زیادی در مناسبات ایران و افغانستان وجود دارد که می‌توان با بهره‌برداری از آن بسیاری از فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی آمریکا را به حداقل رساند؛ بر این اساس هدف پژوهش بررسی ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان در جهت کاهش اثرات منفی تحریم‌ها است.

در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی اقتصادی ج.ا. ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربرد رویکرد اقتصاد نهادگرا)»، (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷) با تأکید بر محوریت «دیپلماسی اقتصادی» در سیاست خارجی ج.ا. ایران در افغانستان، یافته‌هایی مانند صادرات متقابل، ترانزیت کالا، صادرات برق و فناوری آبیاری مکانیزه به افغانستان و مبادله فرآورده‌های نفتی با آب بیان شده است که بر این اساس، گسترش و تعمیق وابستگی تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری می‌تواند به دوطرف کمک کند. برای دستیابی به یک راه‌حل عادلانه برای بهره‌برداری از آب‌های مشترک متقاعد شود.

نتایج مقاله «آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۱۸-۲۰۰۱م.)»، نشان داد بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی، فساد اداری و اقتصاد رانتی در هر دو کشور، بازتاب‌های منفی بر تعاملات بازرگانی آنان گذاشته است و نیز سازمان‌های منطقه‌ای اقتصادی مانند اکو، نتوانسته‌اند در گسترش روابط اقتصادی ایران و

افغانستان نقش بسزایی ایفا کنند (یوسف‌زهی و همکاران، ۱۳۹۷).

این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اغلب بررسی‌ها تنها با اتکا به آمارهای اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی بر پایه مسائل مرزی و موضوع آب پرداخته‌اند، اما نوشتار حاضر با استناد به فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان پساتالبان، با استفاده از روش پژوهش کیفی و کمی برای تحلیل داده‌ها، ضمن توصیف وضعیت موجود به تبیین و ارائه راهکارهای قابل تصور در جهت بهبود و ارتقای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان می‌پردازد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ روش و ماهیت، توصیفی تحلیلی است. روش تحقیق حاضر، از نظر نوع جمع‌آوری داده‌ها توصیفی است؛ به عبارت دیگر این پژوهش با تهیه طرح تحقیق، اقدام به مطالعه و جمع‌آوری ادبیات موضوع تبیین راهبرد دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان پساتالبان کرده است. در این تحقیق از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و... در بخش آمار توصیفی استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی، با توجه به تبدیل متغیرهای تحقیق به متغیرهای شبه‌فاصله، اهمیت یا حضور هر یک از ویژگی‌ها بر اساس مقیاس لیکرت (خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴، متوسط = ۳، کم = ۲، بسیار کم = ۱) به دست آمد و سپس با ضرب امتیاز هر گزینه، امتیاز هر گزینه محاسبه شد و سپس با محاسبه مجموع نمرات گزینه‌ها، امتیاز هر پرسش به دست آمد. میانگین امتیاز از تقسیم مجموع امتیازات بر تعداد افراد پاسخ‌دهنده به آن گزینه به دست آمد. با توجه به اینکه میانگین نمره هر پرسش عددی بین ۱ تا ۵ است، از این معیار برای سنجش اهمیت پرسش‌ها یا گزینه‌ها استفاده شد. سپس بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه، مشاهده‌های میدانی و اسناد رسمی، به تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از نرم افزار spss پرداخته شد. بدین منظور در نرم افزار spss با هدف سنجش معیارهای تبیین راهبرد دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان پساتالبان، از آزمون بینومال تست استفاده شد.

جدول ۱. معیارهای به کار رفته در پژوهش

زیرمعیارها	معیارهای چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان
<p>ضعف کارگزاران نهادی دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان</p> <p>ضعف کارگزاران راهبری دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان</p> <p>منفعت‌طلبی کارگزاران دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان</p>	<p>ضعف کارگزاران دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان</p>
<p>چالش‌های حقوقی در اختلافات آبی</p> <p>ایجاد و گسترش بازار سیاه در امتداد مرز افغانستان-ایران</p>	<p>چالش‌های حقوقی در اختلافات آبی</p>
<p>اختلاف‌های سیاسی میان گروه‌های قومی با حکومت مرکزی</p> <p>مهاجرت‌های غیرقانونی قاچاقچیان مواد مخدر از افغانستان به ایران</p> <p>مهاجرت‌های غیرقانونی اتباع افغان به ایران</p>	<p>چالش‌های امنیتی</p>
<p>دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی افغانستان</p> <p>بی‌ثباتی در افغانستان</p> <p>نبود تمایل در بخش‌های رسانه‌ای ج.ا. ایران بر بازار افغانستان</p> <p>نبود تمایل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ج.ا. ایران در افغانستان</p> <p>گرایش تاجیک‌های افغان به ایدئولوژی غربی</p> <p>قوم‌گرایی طالبان و تمایل آنها به مراودات بیشتر اقتصادی با پاکستان</p>	<p>چالش‌های بین‌المللی</p>

زیرمعیارها	معیارهای چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان
<p>امکان استقبال طالبان از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی عربستان</p> <p>امکان استقبال طالبان از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی قطر</p>	
<p>ظرفیت‌های فراوان بازار مصرف افغانستان در اختیار ایران</p> <p>ظرفیت‌های فراوان توان‌مندی‌های صنایع ایران برای افغانستان</p> <p>توسعه بندر چابهار</p>	<p>بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی مشترک</p>
<p>اهمیت ایدئولوژی اسلام در هر دو کشور</p> <p>ارتباطات بازار اسلامی</p>	<p>ظرفیت‌های اقتصادی مشترک</p>
<p>پیشینه تاریخی دو کشور</p> <p>تشابهات فرهنگی (مانند آداب و رسوم‌ها)</p> <p>روابط خانوادگی و خویشاوندی میان برخی از مردمان ایران و افغانستان</p> <p>زبان مشترک میان مردمان دو کشور</p> <p>تبادلات فرهنگی میان دو کشور</p> <p>تمدن و نژاد مشابه میان برخی از مردمان دو کشور</p> <p>فعالیت‌های انجمن ملی روابط فرهنگی دو کشور</p> <p>ظرفیت‌های صنعت توریسم و مسافرت مردمان دو کشور</p>	<p>ظرفیت‌های تمدنی مشترک</p>

۳. تجزیه و تحلیل

۳-۱. چالش‌ها و موانع نفوذ اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مسیر تحقق اهداف خود، در کنار فرصت‌ها و گشایش‌های قابل توجه به‌ویژه در شرایط پس از توافق هسته‌ای با چالش‌ها و

موانع جدی داخلی و خارجی نیز روبه‌رو بوده است. استمرار این چالش‌ها و بی‌توجهی به راه‌های رفع یا کاهش آثار آنها، امکان کارکرد مؤثر سیاست خارجی در فضایی آرام و به دور از تنش و اولویت‌بخشی به مسائل اقتصادی در روابط خارجی را مشکل می‌سازد.

چالش‌های محیط داخلی برای دیپلماسی اقتصادی ایران، درحالی‌که ضرورت‌های بازیابی قدرت ملی به منظور افزایش سهم و جایگاه ایران در اقتصاد جهانی و بازدارندگی تهدیدهای محیطی به‌ویژه مقابله با سیاست‌های تحریمی، کاربست دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران را ضروری می‌سازد، فعال‌سازی و پیش‌برد دیپلماسی اقتصادی در بطن یک سیاست خارجی توسعه‌گرا از جمله در دولت روحانی با چالش‌هایی در سطح داخلی مواجه بود.

مهم‌ترین این موانع، مشکلات ساختاری نظام بانکی پس از کشور، اقتصاد دولت‌محور در مقابل بخش خصوصی ضعیف و ضعف رقابت‌پذیری اقتصاد ایران، ضعف قوانین و مقررات داخلی در حمایت از دیپلماسی اقتصادی و درک وجود تضاد میان محیط داخلی و خارجی در زمینه تعاملات اقتصادی است. وی همچنین نقش درگیری‌های سیاسی و جناحی و چالش ساختار نمایندگی دیپلماسی اقتصادی را نیز به این فهرست اضافه کرد. در زمینه مشکلات ساختاری نظام بانکی، با وجود گشایش‌های بانکی jcpoa، مشکلات فنی و اجرایی جدی در بسیاری از حوزه‌های اقتصاد داخلی به‌ویژه حوزه بانکی وجود دارد. بسیاری از این مشکلات به تحریم‌ها مربوط نیست و تنها به این دلیل است که نظام مالی کشور با دگرگونی‌های شگرف در مقررات بانکی بین‌المللی فاصله زیادی دارد، اما با توجه به تحریم‌ها نیازی یا عجله‌ای برای رفع آنها وجود نداشت (گزارش اجرای برجام، ۱۳۹۵/۴/۲۶).

اقتصاد دولتی در مقابل بخش خصوصی ضعیف است. این در حالی است که یکی از بازیگران اصلی دیپلماسی اقتصادی در صحنه اقتصاد بین‌الملل، شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی هستند که استقلال اقتصادی دیگر بازیگران غیردولتی یکی از ویژگی‌های مهم اقتصاد تلقی می‌شود. مشکلات حاضر در قوانین و دستورعمل‌های درونی غالب بر

پیوندهای اقتصادی خارجی، یکی از بایسته‌ها و نیازهای اساسی در زمینه ساده کردن دارایی خارجی در کشور و تجارت کالا و خدمات، توجه به پیشامدهای حقوقی و موانع قانونی در این زمینه‌هاست. به گفته بسیاری از کارشناسان، تجهیزات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در حوزه قوانین و مقررات برای پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی مناسب نیست.

با توجه به نقش و آثار منازعه‌های سیاسی داخلی بر دیپلماسی اقتصادی، یکی از مشکلات اساسی سیاست خارجی ایران آن است که مباحث خطیر آن به حیطه ستیزهای گروهی، گردهمایی‌های غیررسمی و مذاکره‌های افراد و گروه‌ها در این حوزه کشیده می‌شود.

الف) چالش ساختار کارگزاری در اجرای دیپلماسی اقتصادی: با توجه به مطالب پیش‌گفته، بدون تردید دیپلماسی اقتصادی نیازمند تخصص و دانش اقتصادی دیپلمات‌هاست. در چارچوب چالش‌های محیط خارجی، دیپلماسی اقتصادی ایران نیز یکی از عوامل، نقش فشارهای سیاسی و سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه ایران است که رفتارهای خصمانه سیاسی و تحریمی آمریکا پس از انقلاب علیه نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. با فروپاشی شوروی ایران اگرچه از تهدیدات حضور یک ابرقدرت در مرزهای شمالی خود رهایی یافت، از سوی دیگر شدت رویارویی کشور با آمریکا نیز افزایش یافت. مورد بعدی، ناتوانی و ضعف اروپا در تضمین منافع اقتصادی است. افزون بر چالشی که خروج آمریکا از توافق و بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای برای ایران ایجاد کرده است، ایران موضوع اتحادیه اروپا را نیز به عنوان هم‌پیمان این کشور بر سر دو راهی بزرگی قرار داده است.

ب) چالش همکاری ایران با رژیم‌های مالی بین‌المللی: یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات در مسیر همکاری‌های بین‌المللی ایران در حوزه بانکی به مقررات گروه ویژه اقدام مالی (فاتف) مربوط است که بر فعالیت‌های نظام مالی و بانکی کشورها در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. گروه فاتف از سال ۱۳۸۸ نام ایران را با انگیزه‌های عمدتاً سیاسی در فهرست کشورهای دارای خطرپذیری بالای پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم

قرار داد. در زمینه‌ای دیگر مخالفان منطقه‌ای سیاست ایران‌هراسی را به راه انداختند. از سوی دیگر، نباید تشدید و سهم چالش‌های مربوط به مناطق پیرامونی ایران و رفتار برخی از کنشگران منطقه‌ای را در تخریب فضای تعاملات بین‌المللی ایران نادیده گرفت. مخالفان منطقه‌ای توافق هسته‌ای، مثل عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از موفقیت مذاکرات هسته‌ای به کار بستند.

۲-۳. اهمیت افغانستان در روابط اقتصادی ایران

افغانستان با حدود ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و تقریباً ۲۸ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیک نزد همسایگان ایران دارد. برابر آمار مرکز تجارت جهانی، ایران نخستین مبدأ واردات افغانستان در چند سال گذشته بوده است. میزان تجارت ایران و افغانستان سالانه در حدود دو و نیم میلیارد دلار است. صادرات سالانه ۲۳۷ مگاوات برق یکی از مهم‌ترین محصولات صادراتی ایران به این کشور به شمار می‌آید. به‌ظاهر در یک دهه اخیر وجود برخی اختلاف‌نظرهای سیاسی - امنیتی میان دو کشور، وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و همچنین واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی، از عوامل مهم رشد نیافتگی مبادلات اقتصادی بین دو کشور بوده است. اما همچنان عواملی هست که سبب اهمیت یافتگی افغانستان در روابط اقتصادی ایران می‌شود. در ادامه این عوامل تشریح می‌شود.

الف) افغانستان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی: این کشور از سمت شرق با تاجیکستان و منطقه کشمیر هم‌مرز است که مردم این مناطق قرابت فرهنگی و دینی زیادی با ایران دارند؛ این مسئله می‌تواند از نظر صادرات اهمیت بالایی داشته باشد؛ همچنین روابط راهبردی با افغانستان می‌تواند مرزهای ایران را در عمل تا چین برساند.

ب) بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی مشترک: هم‌مرز بودن افغانستان با ایران همانند دیگر همسایگان، ظرفیت‌های فراوانی در اختیار ایران جهت تأمین ارز مورد نیاز قرار

داده است. هم‌اکنون کاهش دسترسی ایران به ارز به دلیل تحریم، موجب ایجاد و گسترش بازار سیاه در امتداد مرز افغانستان-ایران شده است.

ج) تقویت همبستگی اقتصادی منطقه‌ای از طریق بندر چابهار

پروژه راه ابریشم: در این میان ایران و افغانستان امروزی که برای هزاران سال نقش یک پل ارتباطی بین شرق و غرب و شمال و جنوب را ایفا کرده‌اند، راه ابریشم جدید می‌تواند زمینه‌های همکاری را مرحله به مرحله گسترش دهد. بی‌شک توسعه اقتصادی منطقه با افغانستان به ریشه‌کن‌سازی تولید و توزیع مواد مخدر، زمینه‌های گرایش به تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی از طریق کاملاً مسالمت‌آمیز کمک می‌کند.

ظرفیت بزرگ افغانستان برای دیپلماسی اقتصادی ایران: با روی کار آمدن دولت جدید در پاکستان، احتمال بهبود روابط تجاری این کشور با افغانستان و اجازه پاکستان برای دسترسی هند به بازار افغانستان قوت گرفته است؛ بنابراین ایران باید بیش از پیش به فکر تثبیت و گسترش بازار خود در افغانستان باشد و از ظرفیت بزرگ این کشور برای تولید و صادرات محصولات ایرانی استفاده کند.

۳-۳. ظرفیت فعال اقتصادی - تجاری ایران و افغانستان

در حال حاضر افغانستان می‌باید بیش از ۹۰ درصد نیازهای خود را از کشورهای مختلف جهان به‌ویژه از همسایگان تأمین کند. ایران با تجارت سالانه حدود دو و نیم میلیارد دلار یکی از شرکای تجاری افغانستان است و با میزان سالانه حدود ۲۳۷ مگاوات (در ۲۰۱۸م)، یکی از صادرکنندگان مهم برق به افغانستان تلقی می‌شود (اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۰). ایران همچنین در برنامه‌های جدید بازارچه‌های مرزی و افزایش تفویض در خطوط ایجاد صنایع متوسط و کوچک افغانستان تصویر ثمربخشی اجرا می‌کند. نیز قرارداد سال‌های اخیر میان ایران، هند و افغانستان در خصوص منطقه چابهار نیز یکی از مهم‌ترین طرح‌های مشترک اقتصادی است. بر اساس نمودار شماره ۲، در یک دوره پنج‌ساله، با وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، صادرات ایران به

افغانستان بیش از دو برابر شده است، اما صادرات افغانستان به ایران تغییرات گسترده‌ای نکرده است. تا سال ۲۰۱۳م، از ۱۰۳۰ کالای صادراتی و وارداتی افغانستان از ایران، تنها هفت کالا وارد بازار ایران شد و مابقی که حدود ۸۵ میلیون دلار از صادرات به ایران را پوشش می‌دهند، توانستند در بازار ایران حضور داشته باشند (جوانمرد قصاب، ۱۳۹۳، ص. ۲۱). در زمینه صادرات برق در سال ۱۳۹۲، ۱۴۰ مگاوات برق به ولایت هرات و ۲۵ مگاوات برق به ولایت نیمروز صادر شده است (مرکز مطالعات وزارت نیرو، ۱۴۰۱) که از آن زمان تاکنون روند رو به افزایشی داشته است. در سال ۱۳۹۵، ماهانه به ارزش پنج میلیون دلار صادرات برق از ایران به افغانستان صورت گرفته است (سازمان جغرافیایی، ۱۴۰۰، ص ۸۴).

جدول ۲. مبادلات تجاری ج. ا. ایران با افغانستان از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (ارقام به میلیون دلار)

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
صادرات	۲۱۷۸	۲۸۷۳	۲۴۱۶	۲۴۹۰	۲۵۷۲	۲۴۵۶
واردات	۱۰	۲/۴	۳۲	۱۳	۱۴	۲۲
تراز تجاری	۲۱۶۸	۲۸۷۰/۶	۲۳۸۳/۷	۲۳۶۴	۲۴۳۱	۲۲۴۰

ماخذ: (اخباری، ۱۳۹۸)

به نظر می‌رسد در یک دهه اخیر وجود برخی اختلاف نظرهای سیاسی - امنیتی میان دو کشور، وجود تحریم‌های بین المللی علیه ایران و همچنین واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی، از عوامل مهم رشد نیافتگی مبادلات اقتصادی بین دو کشور بوده است. در این میان، اختلاف‌های جدی دوطرف بر سر موضوعات آبی، سهم بیشتری در کدورت سیاسی و دوری دو کشور از یکدیگر داشته است. در پی قدرت‌یابی طالبان، چند مسئله جایگاه ایران در بازار برق افغانستان را با مخاطره مواجه کرده است. دست کم در کوتاه‌مدت، از یک سو به واسطه قطع کمک‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا و از سوی دیگر به دلیل مهاجرت بسیاری از شهروندان افغانستان، اقتصاد این کشور کوچک خواهد شد. این امر در کنار اختلال در جریان ورود ارز به افغانستان، افزایش تورم و ضعف کلی اقتصاد و کسب و کارها به

دلیل وضعیت آشوب و عدم قطعیت فعلی، بر توانایی جذب کالاهای ایرانی در بازار افغانستان، از جمله در حوزه تقاضا برای انرژی و برق تأثیر منفی خواهد داشت. موضوع دیگر در روابط اقتصادی دو کشور، صادرات سوخت به افغانستان است. در اینجا نیز ایران ۴۲ درصد از کل صادرات خود به افغانستان را در قالب صادرات سوخت انجام می‌دهد و در سال ۲۰۲۱، صادرات بنزین و گازوئیل ایران به این کشور معادل ۴۰۰ هزار تن بوده است.

۳-۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها به سه بخش مطالعات جمعیت‌شناسی (از نوع مقیاس رتبه‌ای و فاصله‌ای)، متغیر تحلیل سطوح نقش آفرینی ایران در منطقه ژئوپلیتیک شرق پیرامونی با تأکید بر افغانستان (تعداد ۲۰ گویه - متغیر از نوع مقیاس رتبه‌ای)، متغیر ارزیابی دستاوردهای نقش آفرینی ایران در راستای تأمین منافع ملی خود در شرق پیرامونی (تعداد ۱۲ گویه - متغیر از نوع مقیاس رتبه‌ای) دسته‌بندی شده است.

۳-۴-۱. آمار توصیفی

آمار توصیفی بخش حاضر، در دو بخش معیارهای چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان و مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان پس از طالبان ارائه می‌گردد.

۳-۴-۱-۱. چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان

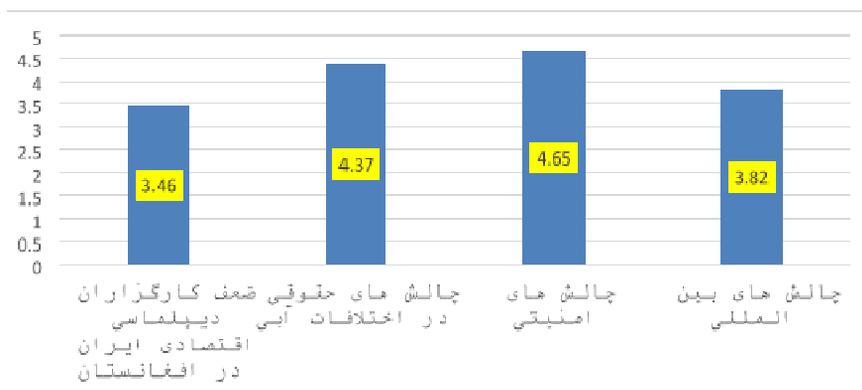
در جهت تجزیه و تحلیل پرسش‌های آمار توصیفی چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان، نخست پرسش‌ها از یک دیگر تفکیک گردید و سپس در نرم افزار SPSS عملیات کدگذاری انجام گرفت. کدگذاری به صورت طیف لیکرت، اعداد ۱ تا ۵ ثبت گردید و پس از آن داده‌های پرسش‌نامه‌ها در محیط نرم افزار و در قسمت Data view ثبت گردید. سپس با استفاده از دستور frequencies میانگین هر یک

از پرسش‌ها و طبقه‌بندی آنها در یک نمودار کلی ثبت گردید که نتایج آن به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۳. آمار توصیفی چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دوکشور ایران و افغانستان

ردیف	نام شاخص	گویه‌ها	میانگین هر شاخص	میانگین کلی
۱	ضعف کارگزاران دیپلماسی ایران در افغانستان	ضعف کارگزاران نهادی دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان	۳.۲۶	۳.۴۶
		ضعف کارگزاران راهبری دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان	۳.۰۲	
		منفعت‌طلبی کارگزاران دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان	۴.۰۶	
۴	چالش‌های حقوقی	چالش‌های حقوقی در اختلاف‌های آبی	۴.۵۴	۴.۳۷
۵	حقوقی	ایجاد و گسترش بازار سیاه در امتداد مرز افغانستان-ایران	۴.۲۰	
۶	چالش‌های امنیتی	اختلاف‌های سیاسی میان گروه‌های قومی با حکومت مرکزی	۴.۳۲	۴.۶۵
		مهاجرت‌های غیرقانونی قاچاقچیان مواد مخدر از افغانستان به ایران	۴.۷۴	
		مهاجرت‌های غیرقانونی اتباع افغان به ایران	۴.۸۹	
۹	چالش‌های بین‌المللی	دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی افغانستان	۴.۹۲	۳.۸۲
		بی‌ثباتی در افغانستان	۴.۴۷	
		نبود تمایل بخش‌های رسانه‌ای ج.ا. ایران در پرداختن به بازار افغانستان	۴.۰۲	

ردیف	نام شاخص	گویه‌ها	میانگین هر شاخص	میانگین کلی
۱۲		نبود تمایل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ج.ا. ایران در افغانستان	۴.۶۹	
۱۳		گرایش تاجیک‌های افغان به ایدئولوژی غربی	۳.۲۱	
۱۴		قوم‌گرایی طالبان و تمایل آنها به مراودات بیشتر اقتصادی با پاکستان	۳.۱۴	
۱۵		امکان استقبال طالبان از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی عربستان	۳.۲۹	
۱۶		امکان استقبال طالبان از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی قطر	۲.۸۴	



نمودار ۲. آمار توصیفی چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دوکشور ایران و افغانستان

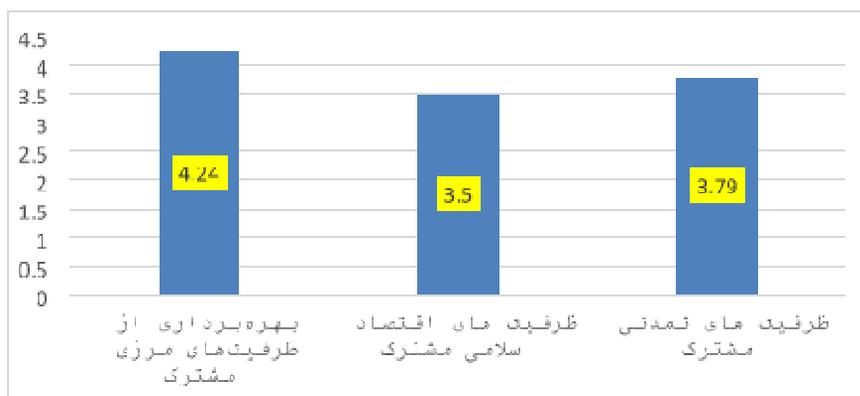
بر اساس آمار و اطلاعات نمودار ۲، در زمینه چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان، نتایج نشان می‌دهد که چالش‌های امنیتی و دغدغه‌های حقوقی، مهم‌ترین دغدغه‌ها در دیپلماسی اقتصادی دو کشور هستند.

۳-۴-۲. ارزیابی مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان پس از طالبان
 آمار توصیفی مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان پس از طالبان، در قالب جدول ۴ و نمودار ۳ به دست آمده است:

جدول ۴. آمار توصیفی مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان پس از طالبان

ردیف	نام شاخص	گویه‌ها	میانگین هر شاخص	میانگین کلی
۱	بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی مشترک	ظرفیت‌های فراوان بازار مصرف افغانستان در اختیار ایران	۴.۲۵	۴.۲۴
		ظرفیت‌های فراوان توان‌مندی‌های صنایع ایران برای افغانستان	۴.۱۶	
		توسعه بندر چابهار	۴.۳۲	
۴	ظرفیت‌های اقتصادی مشترک	اهمیت ایدئولوژی اسلام در هر دو کشور	۴.۵۷	۳.۵
		ارتباطات بازار اسلامی	۲.۴۳	
۶	ظرفیت‌های تمدنی مشترک	پیشینه تاریخی دو کشور	۳.۶۶	۳.۷۹
		تشابهات فرهنگی (مانند آداب و رسوم‌ها)	۳.۹۸	
۸	ظرفیت‌های تمدنی مشترک	روابط خانوادگی و خویشاوندی میان برخی از خانواده‌های ایرانی و افغانستانی	۳.۸۵	
		زبان مشترک میان مردمان دو کشور	۴.۹۲	
		تبادلات فرهنگی میان دو کشور	۴.۹۶	
		تمدن و نژاد مشابه میان برخی از مردمان دو کشور	۳.۱۲	

ردیف	نام شاخص	گویه‌ها	میانگین هر شاخص	میانگین کلی
۱۲		فعالیت‌های انجمن ملی روابط فرهنگی دو کشور	۳.۱۵	
۱۳		ظرفیت‌های صنعت توریسم و مسافرت مردمان دو کشور	۲.۷۲	



نمودار ۳. آمار توصیفی مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان پس از طالبان

بر اساس داده‌های نمودار ۳، در زمینه مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان پس از طالبان، نتایج نشان می‌دهد که بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی مشترک و سپس ظرفیت‌های تمدنی - فرهنگی دو کشور، مهم‌ترین فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان هستند.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر افغانستان در بنبوه رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با محدودیت‌های جغرافیایی و نداشتن ثبات سیاسی، همواره دستخوش تغییرات ژئوپلیتیک در این رقابت‌ها بوده است و سرانجام دگرگونی‌های منطقه‌ای شرق پیرامونی ایران، با توجه به رخدادهای اخیر در افغانستان و حضور دوباره طالبان در صحنه قدرت،

تهدیدهای این کشور برای ج.ا. ایران و با توجه به تحولات اخیر در منطقه، دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان با چالش‌هایی گسترده‌ای مواجه است و این تغییرها فرصت‌هایی را در راستای دیپلماسی اقتصادی دو کشور فراهم کرده است؛ بر این مبنا و بر اساس یافته‌های پژوهش، عوامل نقش‌آفرینی ایران در منطقه ژئوپلیتیک شرق پیرامونی در افغانستان، تابع عوامل و متغیرهای مربوط در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در این زمینه‌ها وجود عوامل متعدد داخلی و ژئوپلیتیک جدید افغانستان در پساتالبان و توانایی‌های ایران در نقش‌آفرینی آن، تنوع قومیتی در افغانستان، حاکمیت پشتون‌ها در قدرت و نقش‌آفرینی‌های ج.ا. ایران با توجه به ویژگی‌های تمدنی خویش در افغانستان، از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرینی در منطقه ژئوپلیتیک شرق پیرامونی با تأکید بر افغانستان شمرده می‌شود. دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان پس از قدرت‌یابی طالبان، در حوزه تجارت کالا با اشکال‌هایی مواجه شده است، اما روندهایی برای احیای دستاوردهای دوران حضور نیروهای خارجی در جریان است. در حوزه صادرات انرژی، به نسبت با چالش‌هایی کمتر و در حوزه ترانزیت، با بیشترین پیچیدگی و عدم قطعیت مواجه است؛ هرچند چشم‌اندازهایی برای تداوم سیاست‌های گذشته وجود دارد. در حوزه تجارت کالا، پس از قدرت‌یابی طالبان، ظهور بازیگران جدید و فرسایش اقتصاد افغانستان، روند صادرات ایران با چالش جدی مواجه شده است. در زمینه تحلیل یافته‌های تحقیق، چالش‌های دیپلماسی اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان که تحت تأثیر شاخص‌های گسترده‌ای بوده است، نتایج نشان داد چالش‌های حقوقی در اختلافات آبی، مهاجرت‌های غیرقانونی قاچاقچیان مواد مخدر از افغانستان به ایران، دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی افغانستان و مهاجرت‌های غیرقانونی اتباع افغان به ایران مهم‌ترین و بالاترین میزان این چالش‌هاست. در زمینه فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان پس از طالبان، نتایج نشان می‌دهد عواملی مانند زبان مشترک میان مردمان دو کشور، تبادلات فرهنگی میان دو کشور، اهمیت ایدئولوژی اسلام در هر دو کشور و ظرفیت‌های فراوان بازار مصرف افغانستان در اختیار ایران از مهم‌ترین فرصت‌های

- دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان شمرده می‌شود. با توجه به مسائل پیش گفته، پیشنهادها زیر در راستای بهبود دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان ارائه می‌گردد:
۱. بازرنگری و تکمیل «توافق‌نامه چابهار» و گنجاندن ابزار و عناصر گسترش دهنده همکاری در دیگر زمینه‌ها در این توافق‌نامه، به‌ویژه تأکید طرف‌ها بر اهمیت «دیپلماسی آب» در کاهش اختلافات و تعمیق و تحکیم مناسبات پایدار ایران و افغانستان.
 ۲. بهره‌برداری از فرصت‌های «سازمان‌های همکاری اقتصادی منطقه‌ای»؛ حضور ایران و افغانستان در اکو، کنفرانس همکاری منطقه‌ای اقتصادی برای افغانستان (ریکا) و امثال آن، بستر مناسبی برای هم‌افزایی توان‌مندی‌های اقتصادی ایران و دیگر کشورهای منطقه برای حضور جدی‌تر در توسعه و تجارت افغانستان است.
 ۳. توسعه راه ابریشم و گسترش همکاری‌های ایران و چین در فضای افغانستان.
 ۴. تعامل ایران با اقوام مختلف افغانی در زمینه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در اقصی نقاط افغانستان.
 ۵. افزایش حضور رسانه‌های ایرانی در بازارهای مصرف و صنایع افغانستان.
 ۶. تعامل و همکاری هرچه بیشتر ایران با مهاجرین قانونی افغانی در زمینه‌های اقتصادی.
 ۷. تقویت دیپلماسی آبی به عنوان ابزاری مفید در راستای عاملی به عنوان توسعه اقتصادی.
 ۸. بازرنگری در چگونگی عملکردهای سیاست خارجی؛ از جمله در زمینه‌های توسعه دیپلماسی اقتصادی.
 ۹. انعقاد قراردادهای متنوع در امر سرمایه‌گذاری به‌ویژه در میان کشورهای واقع در شرق پیرامونی ایران.

فهرست منابع

۱. حافظ‌نیا، م.ر. (۱۳۷۶). ساماندهی و مدیریت سیاسی فضا در ایران. تهران: سمت.
۲. اعظمی، ه.؛ زرقانی، س. ه.؛ دبیری، ع. ا. (۱۳۹۱). تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای (نمونه موردی: سازمان همکاری شانگهای). پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱ (۱)، ۲-۲۵.
۳. احمدی‌پور، ز.؛ قنبری، ق.؛ لشکری تفرشی، ا. (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک دریای خزر. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۴. آقاجری، م.ج.؛ کریمی، م. (۱۳۹۴). نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت‌سازی افغانستان در دوران طالبان و پساتالبان. مطالعات روابط بین‌الملل، ۸ (۳۰)، ص. ۵۷-۱۰۴.
۵. خلیلی، م.؛ حیدری، ج.؛ صیادی، ه. (۱۳۹۲). پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۳ (۹)، ص. ۳۷-۷۲.
۶. سینایی، و.؛ جمالی، ج. (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربست رویکرد اقتصاد نهادگرا). مطالعات راهبرد سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۲۸)، ص. ۶۹-۹۳.
۷. نبوی، ع.ر.؛ جهش، ف.؛ نبوی، ف. (۱۳۹۹). دیپلماسی آبی افغانستان در قبال کشورهای همجوار و تأثیر آن بر روابط افغانستان و ایران بعد از سقوط طالبان. در: مشهد: هشتمین کنفرانس ملی مدیریت منابع آب ایران.
۸. یوسف‌زهی، ن.؛ فرزانه‌پور، ح.؛ بخشی، ا. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۱۸-۲۰۰۱). پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۱۳ (۲)، ص. ۱۸۷-۲۲۴.
۹. عسکری کرمانی، ح.؛ صفار، آ. (۱۴۰۱). پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۴ (۱)، ص. ۹۷-۱۲۱.

۱۰. عرب پور، ا.ح. (۱۳۹۸). ظرفیت دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان در کاهش فشار تحریم‌ها. در: تهران: کنفرانس بین‌المللی اقتصاد جهانی و تحریم‌ها.
۱۱. اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۰.

<https://otaghiranonline.ir/news/41869>

۱۲. اخباری، ا. (۱۳۹۸). تحلیل هیدروپلیتیک در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل (مطالعه موردی: ایران و افغانستان ۲۰۲۰-۲۰۰۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (عج) - شهرری.

۱۳. جوانمرد قصاب، م. م. (۱۳۹۳). رصد؛ یکصد نکته درباره داد و ستد با بازار افغانستان، مشهد: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۱۴. حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۸۷). تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیکی خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۷.

۱۵. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۴۰۱، مطالعاتی بر افغانستان. **ناقص؟**

۱۶. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۴۰۱، رصد جغرافیایی، شماره ۲۳.

۱۷. قوام، س.ع. (۱۳۹۷). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.

۱۸. گزارش اجرای برجام، ۱۳۹۵/۴/۲۶، دومین گزارش.

۱۹. مرکز مطالعات وزارت نیرو، ۱۴۰۱. <https://pep.moe.gov.ir>

۲۰. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح <http://ngo-ac.ir>

۲۱. آمارهای توسعه و تجارت.

<https://www.fao.org/faostat/en/#data/QCL>

۲۲. ناصری، م. (۱۳۹۹). آینده پژوهشی رقابت‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی و تأثیرات آن بر امنیت خاورمیانه (مطالعه موردی: کشورهای عراق و یمن)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (عج) - شهرری.

<http://psq.bou.ac.ir>

23. Ahmadzai, S. & McKinna, A. (2018). Afghanistan electrical energy and trans-boundary water systems analyses: Challenges and opportunities. *Energy Reports*, No.4, p. 435-469.
24. Barratt, T. & Klarin, A. (2022). Hyper-peripheral regional evolution: The “long histories” of the Pilbara and Buryatia. *Geographical Research*, 60(2), p. 286-299.
25. Barrinha, A. & Renard, T. (2017). Cyber-diplomacy: the making of an international society in the digital age. *Global Affairs*, 3(4-5), p. 353-364.
26. Baylis, J. (2020). *The globalization of world politics: An introduction to international relations*. USA: Oxford university press.
27. Bayne, N. & Woolcock, S. (2016). The future of economic diplomacy. In: *The New Economic Diplomacy* (pp. 330-350). Routledge.
28. Diaconescu, L. & Mazilu, M.E. (2021). Perfect Geopolitics and Strategies to Maintain Russia as a World Power. *Journal of Public Policy and Administration*, 5(2), p. 37-43.
29. Khan, M. F., Hassan, A., & Raza, A. (2023). Humanitarian crisis in Afghanistan: Changing global dynamics and Pakistan's policy choices. *Asian Journal of Comparative Politics*, 20578911221148520.
30. Khetran, M.S. (2017). Indian interference in Balochistan. *Strategic Studies*, 37(3), p. 112-125.
31. Panda, J. (2021). The Elusive Quest for an ‘Asian NATO’. *Strategic Analysis*, 45(1), p. 57-66.
32. Paudel, G.P. (2023). *The absence of community in community forestry: the politics of science and ethics in Nepali forestry policy*. Doctoral dissertation. UNSW Sydney.
33. RanjbarHeydari, V. (2021). Modern diplomacy; Case study of Iran. *Strategic Studies of public policy*, 11(40), p. 324-340.
34. Solhdoost, M. & Pargoo, M. (2022). Iran’s nontraditional security challenges under the Taliban Rule. *Global Policy*, 13(1), p. 146-151.

35. Wegge, N. & Keil, K. (2018). Between classical and critical geopolitics in a changing Arctic. *Polar Geography*, 41(2), p. 87-106.
36. Zhu, C. (2018). The South Asian Direction of “OBOR” Strategy: Geopolitical Pattern, Indian Difficulties and Breakthrough Path. URL= <https://sci-hub.se/downloads/2019-02-18/ea/zhu2018.pdf>